



تحصن مدیران جراید در مجلس

(۳)

پارسا توپسرگانی

با هرج و مرجی که در همه نقاط کشور بوجود آمده بود و با صافی که مصدق بعنوان مبارزه با انگلیس تشکیل داده بود و غالب آنان از طرفداران سیاست انگلیس و یا مشهور به طرفداری از سیاست انگلیس بودند و با تاجرهای که از مخالفت‌های دروغی امثال خالصی زاده با انگلیسها داشتیم و یا سابقه‌ای که خود مصدق در همکاری با انگلیسها داشت، بر من روشن شد که در این بازی ریل اصلی را خارجی‌ها بازی می‌کنند و به یاد این جمله مصطفی منفلوطی نویسنده مصری افتادم که نوشته بود امپراطره علیینا انگلیزها را « خداوند باران انگلیس بر ما بارانده است » من نه با شخص مصدق خرده حساب شخصی داشته و دارم و نه جانشینان او را عاری از عیب و نقص می‌دانم ولی با جرئت می‌گویم که او فرمانبری بیش نبود و اگر در سه چهار مورد لغزش نمی‌کرد ما و اوسر نوشت دیگر می‌داشتیم و برای این مدعا بجز ملاقات محرمانه‌ای که هنگام تحصنش در مجلس با شهرد سفیر انگلیس کرد و شرح آن بعداً خواهد آمد دلایل دیگری نیز در دست است.

۱- مرحوم عزالمک اردلان که از نزدیکان مصدق و مدتی معاون ایشان در وزارت دارائی بود و شخصاً مردی راستگو و پاکدامن و پاکباخته بود بمن گفت در مجلس اول که اعتبارنامه دکتر مصدق رد شد ظاهراً بعنوان قلت سن بود ولی باطن امر این بود که بین مردم شهرت داشت مشروطه ایران را انگلیسها آورده‌اند و ما وکلای دوره اول تشخیص دادیم که یک نفر از دوستان انگلیسها را قربانی کنیم و اعتبار نامه‌اش را رد کنیم تا قدری از آن اتهام مجلس را برهانیم و مناسب تر و مشهورتر از تصدق که پسر وزیر دفتر

صاحب نشان وحمایل از انگلیس وخواهرزاده فرمانفرما که از نوکرهای مشخص انگلیس بود پیدا نکردیم .

۲ - نامه نورمان سفیر انگلیس به مصمصام السلطنه نخست وزیر وقت که اکنون در صندوق مجلس شورای ملی بایگانی است و عیناً نقل می‌شود .

نوامبر ۱۹۲۰ - ۱۲ صفر ۱۳۳۹

فدایت شوم - پس از استعلا از صحت مزاج و تقدیم ارادت زحمت میدهد که از قرار تلگرافی که قونسول انگلیس مقیم شیراز مخایره کرده اند آقای مصدق السلطنه از سقوط کابینه و تشکیل کابینه جدید قدری مضطربند از قرار راپورت هائی که از قونسول انگلیس میرسد حکومت معظم له در شیراز خیلی رضایت بخش بوده ، بد نیست که تلگرافی مخایره فرموده که به حکومت خود باقی مانده و استعفا ندهد ایام شوکت مستدام باد (۱).

نورمان

۳ تشکیل صفی که بیشتر آنها با انگلیس ها نزدیک بودند از قبیل دکتر طاهری ناصر و خسرو قشقائی - ملک مدنی - مصباح فاطمی - حسین فاطمی - صارم الدوله و بچه‌های فرمانفرما و امثال ایشان برای مبارزه با انگلیس که تقریباً همانطور که آقای عبدالقدیر آزاد در مجلس گفتند (باقشون انگلیس می‌خواست بچنگک انگلیس برود)

۴ - مرحوم سید ابوالحسن حائری زاده گفتند که لایحه تحریم مذاکره نفت در ایام جنگ دوم عمومی را سفارت انگلیس بوسیله فرستاد و مصدق عین آنرا در مجلس چهاردهم بتصویب رسانید .

۵ - اظهارات آقای دکتر کاسمی عضو کمیسیون خاص نفت که وقتی لایحه ملی شدن نفت در کمیسیون نفت مطرح شد تبصره‌ای پیشنهاد کردم و مصدق پس از شنیدن آن غش کرد و کمیسیون بهم خورد وقتی از اطاق بیرون آمدم پیشخدمت گفت آقای دکتر مصدق در اطاق مجاور منتظر شما هستند ، خدمت ایشان رسیدم گفت پسر جان شما خیلی خامید اگر يك کلمه از این مواد جا بجا شود انگلیس ها قبول نخواهند کرد.

۶- حمایتی که کشورها و امارات تحت نفوذ انگلیس در همان موقع از ایشان می‌کردند و هم اکنون می‌کنند و عکس‌های بزرگ و کوچکی که از ایشان چاپ می‌کردند و در لاروس و المنجد . اغراقاتی در حق ایشان نوشته‌اند که بقول آن مرد رشتی (مرا خنده گرفت) .

د این نامه را مرحوم میرزاعیسی خان سرورش مدیر کل وزارت کشور از پرونده محرمانه آن وزارتخانه برداشت و بمرحوم سید ضیاء الدین طباطبائی داد و هنگامی که مصدق در دوره چهاردهم با اعتبارنامه سید ضیاء مخالفت کرد و گفت تو با انگلیس‌ها ارتباط داری سید هم این نامه را خواند و بر کمیسیون مجلس داد و اکنون در مجلس ضبط است .

۷ - موضوع ورقه عدم اعتمادی که قبلا گفته شد و رادبولندن خبر آن را روز بعد یا آب و تاب نوشت و پس از آن کسی جرئت ابراز آن را در مجلس نکرد .

۸ - عکسی از ایشان در دست است که در افسانه اعجاز سقاخانه شیخ هادی که ساخته سفارت انگلیس در تهران بود و مازور ایمبری قونسول آمریکا را با وضع فجیعی کشته و بساط آمریکائیها برچیده شد و جای پای انگلیسها محکم تر گردید ایشان شرکت داشته و یک دکان سلمانن را آئین بندی نموده و شخصاً دست از عبا بیرون آورده و بافتنار این معجزه « بمردم چای می داده و گلاب می افشانده است » پرونامه آزادگان و سایر جرائد طرفدار مصدق مراجعه شود . « تجزیه و تحلیل این مطالب ، هر کس را بشک و تردید می اندازد که گرچه تیر از کمان همی گذرد از کماندار داند اهل خرد .

آن چه من در آن گیرودار استنباط کردم و چندروزنامه بی طرف خارجی نیز کم و بیش اشاره به آن کرده بودند در ملی شدن نفت ایران ، دولت انگلیس از جهت اینکه بساطش در هندوستان برچیده شده و از عراق نیز نیروی خود را برده بود و محافظت تصفیه خانه نفت خورستان برایش اشکال داشت یا مقرون بصرفه نبود موافق ملی شدن نفت بود و می خواست در آن دستگاه تغییر شکل بدهد که تصفیه خانه آبادان آن تمرکز را نداشته باشد و تصفیه خانه های متعدد در کشورهای دیگر احداث نمایند .

» نه تا آن حد که آمریکا و دیگران نیز در این کار سهیم و شریک شوند (

ولی زعمای شرکت نفت بواسطه هزینه هائی که این تغییرات داشت مخالف بودند و شاید قسمتی از آن کشمکشها از این اختلاف نظر سرچشمه می گرفت .

وقتی انتخابات دوره هفدهم شروع شد و افرادی که در دوره چهاردهم انگلیس ها و روسها علنی برای انتخاب آنها ایستادگی میکردند و در پای صندوقهای رای خیمه زدند تا انتخاب شوند کاندیدای جبهه ملی شدند و یکی بعد از دیگری از صندوقهای رای سر در آوردند برای من یقین قطعی حاصل شد که سر نخ این نهضت کاذب در دست دیگران است در میان انتخابات های مظهر العجایب ما که که ریش و قیچی در دست دولت است ، انتخابات دوره هفدهم اعجاب آورتر

۱ - بیاد دارم وقتی وینستون چرچیل صدر اعظم انگلیس بعد از جنگ دوم در مبارزات انتخاباتی شکست خورد شبی مرحوم دکتر طاهری در منزل شیخ الملک اورنگ بالهجه یزدی بمن گفت ما خیال می کردیم چرچیل آدم حسابی است ولی معلوم شد او هم چیزی نیست اینکه رئیس الوزراء انگلیس است بطور اجازه می دهد مخالفانش انتخابات را ببرند .

از تمام ادوار بود زیرا هیچکس تکلیف خود را نمی دانست و همین سرگشتگی کاندیداها و رای دهندگان چنان آشفتگی بوجود آورد که بیش از یک هزار تن کشته و چندین هزار تن مجروح گردیدند در زابل سرمرحوم کوثر فرماندار زابل را بریدند و در توبره انداختند و بدور شهر گرداندند در اسد آباد همدان ، شکم يك زن آبستن را پاره کردند و طفل نارس او را بیرون آوردند و با همه این احوال از ۱۲۷ نماینده بیش از شصت و هشت نفر نتوانستند انتخاب کنند چون اصولاً هنگام انتخابات ، صندوق سازها بشکایات مردم اعتنا نمی کنند ، بسیاری از شهر - ستانها ، به جراید مخالف که مدیرانشان در تحصن مجلس بسر می بردند متوسل می شدند و جبهه جرائد متخصص در مجلس ، نیز مرا انتخاب کرد که در تلگراف خانه رفته و به وسیله تلگراف حضوری به متخصصین در تلگراف خانه ها جواب بدهم که برای نمونه ، شکایات مردم به بهمان و نجف آباد اصفهان نگاشته می شود .

از نجف آباد

آقای پارسا تویسرکانی دبیر جرائد متخصص از حضور شما نمایندگان دوهزار نفر متخصصین در تلگراف خانه تشکر می کنیم استدعا داریم مطالب ما را در جرائد خود منتشر و به اطلاع اولیای دولت برسانید پنج روز است شهر تعطیل ، رحیمی بخشداد علناً می گوید نخست وزیر نوشته اند بایستی حسن شهیدی و کیل شود برای مردم پاپوش دوزی می کنند .

نمایندگان از طرف متخصصین در تلگراف خانه - حاجی نصرالله خرمی - محمود انتظامی - حسین موسوی - اسفندیار ایزدی - محمود تقوی .
جوابی که من می توانستم بدهم جز این نمی توانست باشد .

آقایان متخصصین در تلگراف خانه شکایت آقایان در جرائد ملی منعکس می شود انتخابات این دوره مجموعه ای از قانون شکنی و هرج و مرج است - البته هر چه از قوانین موضوعه حمایت فرمائید و در برابر ظلم و تعدی مقاومت کنید در برابر تاریخ ایران رو سفیدتر خواهید بود پارسا تویسرکانی

از بهبهان

جناب آقای پارسا تویسرکانی نماینده جرائد متخصص در مجلس شورای ملی ، امروز است که عده ای را تحریک کرده اند که آشوب و غوغا راه بیندازند و می خواهند شخصی را بنام غروی که ما نمی شناسیم و دولتی ها با عنوان آیت اله غروی داده اند بر ما تحمیل کنند با وجود شخصیت هائی چون سلطان بی بهبهانی و رئیس التجار موسوی حاضر نیستیم بکسانی که نمی شناسیم تسلیم شویم دیروز بیش از پنجاه نفر مجروح شده اند استدعا داریم که بگوئید

تکلیف بیش از دوهزار نفر که در تلگرافخانه متخصص شده‌اند چیست - شیخ حسین مغولی
سید احمد حسن ثریا - سید احمد سعادتى بلادى مصباح نماینده متحصنین در تلگرافخانه

جواب

آقایانی که در تلگراف خانه تشریف دارید از وضعی که در آن شهرستان بوجود آمده هر ایراندوستی متأثر است یابین قانون شکنی‌ها روزی رسیدگی خواهد شد بنا بدستور دینی ووظیفه میهنی یابستی در برابر زورگویان مقاومت کرد مطالبی که فرمودید درجراشد متحصنین در مجلس منعکس خواهد شد پارسا تویسرکانی در این انتخابات حزب منجمله توده نیز از هیچ گونه فعالیتی کوتاهی نکردولی دستش بجائی بند نشد با اینکه در پیرامون مصدق دست چپی‌ها، نیزرلی بعهده داشتند جناح مخالف آن‌ها قوی تر بود و می‌توان گفت که هر دو جناح آن مرد پیرا با زیچه قرارداد داده بودند و او هم با هر دو جناح قایم‌موشك بازی می‌کرد.

يك روز با مرحوم سہبید زاہدى کہ در اوائل انتخابات دورہ ہفدہم وزیر کشور



سہبید فضل الہ زاہدى۔۔

غلامعلی سیف ناصری -

پارسا تویسرکانی

مصداق بود (باحضور آقای علام‌علی سیف ناصری که خوشبختانه اکنون حیات دارند) در این باره سخن بمیان آمد ، آن مرحوم گفتند من وزیر کشور بودم و هنوز انتخابات شروع نشده بود با مصداق گفتگو کردم که چگونه باید انتخابات را انجام داد ، گفت مردم آزادند بهر کس می‌خواهند رای بدهند گفتم یعنی حزب توده هم آزاد است گفت نه نه ، ما آمدیم و بچند شهر دستور انجام انتخابات را دادیم يك روز از خلخال تلگراف رسید که صندوق رای بنام حمداله ذکائی عضو حزب توده پر شده است و ایشان از جبهه ملی مرکز توصیه و سفارش آورده است من بلافاصله نزد مصداق رفتم و جریان را گفتم و گفتم شما از طرفی دستور می‌دهید که از اعضاء حزب منحل توده کسی وکیل نشود و از طرفی توصیه و سفارش می‌کند که لیدر حزب توده در خلخال وکیل شود مصداق فوری سرش را زیر پتو کرد و بنا کرد خنجر کردن ، من قدری نشستم که سرش را از زیر پتو بیرون آورد و جوابی بدهد نتیجه نبخشید ناگزیر بر خاستم و چند قدم محکم به زمین کوبیدم و در اطاق را بهم زدم او بخیال این که



از راست پچپ حسین یمنی مدیر آرام - ابوالقاسم پاینده مدیر صبا - پور
اعتضادی - مدیر زلزله - شاهنده مدیر فرمان - فری پور مدیر صدای مردم
هاشمی - مدیر طلوع - پارسا - صابر مدیر سیاسی

من از اطاق بیرون رفتم سرش را از زیر پتو بیرون آورد و چون مرا در اطاق دید دوباره در زیر پتو سرفرو برد، من از این منظره ناراحت شدم و بحضور شاهنشاه رفتم و عرض کردم همکاری با این مرد مشکل است ایشان فرمودند میل خودتان است اگر می-خواهید همکاری کنید و اگر نمی-خواهید استعفا دهید باری مجلس هفدهم باشست و نه نفر از نمایندگان تشکیل (۱) و روز پنجشنبه ۱۳ تیرماه آقای دکتر سید حسن امامی (امام جمعه تهران) با ۳۳ رای با اکثریت نسبی بریاست مجلس انتخاب شدند، نامزد مصدق دکتر علی شایگان و نامزد اطرافیان مصدق دکتر عبدالله معظمی بود که در اثر همین اختلاف نظر رای قابل توجهی نداشتند .

امام جمعه همین که در اثر همین که رئیس مجلس شد با اتفاق آقای اکباتانی رئیس بازرسی مجلس با طاق متحصنین آمد و از آنها دلجوئی کرد و مقداری هم گز اصفهان برای متحصنین آورده بود و حمایت مجلس هفدهم را از مدیران جرائد متحصص اعلام داشت. مدیران جرائد متحصص گفتند ، ما بعهده خود باقی هستیم که ادامه حکومت مصدق آنها با اطرافیان ناجور و مشکوکش بسود کشور نیست و باید دولتی روی کار آید که دور از هوو جنجال مشکل نفت راحل کند و بقیه انتخابات را بی طرفانه انجام دهد. غوغای نفت که می-توانست در چار چوب مذاکرات با متصدیان امور نفتی و



میراشرافی و سه تن از مدیران جراید مخالف دولت در جلواطاق متحصنین

(۱) - برای نمونه کافی است یادآوری کرد که از ۱۳ نماینده استان فارس فقط از آباء و فیروز اباد دو وکیل تعیین شد که این دو نیز ناصر و خسرو قشقائی معلوم الحال بودند.

دولت‌های خریدار نفت مطرح گردد به‌کوجه و بازار کشیده شد و هر دسته برای تصفیه حساب‌های شخصی بنحوی از آن سوء استفاده کردند و بسررکلهم کوبیدند : چاقوکش‌ها در موقع شرارت و بدهکاران در مورد پرداخت دیون و کسبه‌هنگام گران‌فروشی و روزنامه‌نویس‌ها در انتقادات و کارمندان اداری بجای انضباط‌همین بهانه را داشتند که چون نفت ملی شده هر کس هر چه می‌خواهد بگوید و بنویسد: يك روز جمعی از دانش‌آموزان مردود وزارت آموزش و پرورش هجوم کردند و برحسب معمول آن روز متحصن شدند که باید به ما دیپلم بدهند .

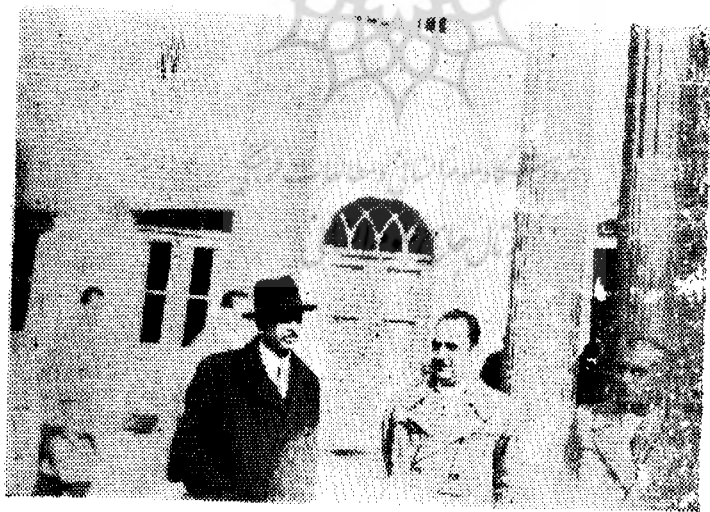
این جوان‌ها هر روز در محوطه وزارت آموزش و پرورش عریضه می‌کشیدند که نفت ملی شده تا به این بازی‌ها اتمامه داده شود و یکمده معلم خود خواه از دادن نمره بما دریغ نکنند و چون هوا گرم بود لخت می‌شدند و در حوض یسا استخر وزارت آموزش به شنامی پرداختند، زن‌ها و دخترهائی که در آن محوطه آمد و رفت می‌کردند از نیش زبان و حرکات ناشایسته آنان در امان نبودند .

جناب حسن نیوی گفتند ، يك روز با جمعی در اطاق دکتر آذر وزیر آموزش و پرورش نشسته بودیم پیشخدمت آمد و به آقای وزیر گفت نمایندگان دانش‌آموزان متحصن می‌خواهند خدمت برسند ، آقای وزیر گفتند بیایند ، سه جوان ترگل و درگل با سبیل‌های قیطائی وارد شدند و اظهار داشتند با این زحمتی که در ملی شدن نفت کشیده‌ایسم تکلیف دیپلم ما چه می‌شود ، آقای وزیر گفت اوراق امتحانات را آورده‌ایم و می‌دهیم تجدید نظر کنند گفتند تجدید نظر حرف مفت است باید دیپلم این سه هزار نفر را بدهند وزیر گفت این‌طور که نمی‌شود دیپلم داد ، یکی از آنها گفت حالا که نمی‌شود ما هم تکلیف خود را میدانیم .

عقب‌گرد کرد و چند باد از خود خارج ساخت، بعد از ظهر آن روز به اطاقی که اوراق امتحانات نگاهداری می‌شد ، حمله کردند و قفل و بند آن را شکستند و در آن اوراق نمراتی بطور دلخواه نوشتند و وزارت آموزش نیز به آن نمره‌ها که دانش‌آموزان بخود داده بودند ترتیب اثر داد و به همه دیپلم اعطاء کرد و عجب تر آنکه مردودین در حدود سه‌هزارویک صد نفر بودند و بگفته آقای دکتر هنر بخش مامور امتحانات دیپلم‌هائی که برای آنان صادر شد بیش از پنجهزار و دویت دیپلم بود : از این دیپلمه‌های نلابی امروز در همه‌جا می‌بینیم حتی یکی از آن‌ها سرپرست يك موسسه عالی شده و خودش لیسانس می‌دهد : خدا

۱ - دکتر آذر را علیرغم اینکه سپهبد رزم آرا او را که مورد عنايت قرار داده بود که چرا از بیمارستان غیبت کرده و مریض او مرده است آوردند وزیر کردند .

رحمت کند صادق هدایت را می گفت کار تحصیلات عالیّه در این کشور به آنجا خواهد رسید که در لیسانسها بجای امضاء رئیس دانشکده ، بنویسند محل انگشت رئیس دانشکده ؛ من به شخصه نمی توانم باور کنم که این برف انبارها که ما بعنوان مدارس عالی داریم و با تعلیمات فعلی و اینکه دانشجو بیش از نیمی از سال را به تعطیل و وقفه می گذراند بسر منزل مقصود برسیم از آنها که دود چراغ می خوردند و بقول حکیم نظامی شبی در بستر گرم نمی غنودند مگر دری از دانش بروی خود بگشایند معدودی دانشمند و تک و توکی برجسته شدند تا چه رسد به اینها که دیپلم معمول بدست می آورند ، تاسف آورتر اینکه آن عده ای هم که از بدست آوردن این معمولات عاجز میمانند اگر پدر و مادر پولداری داشته باشند راهی اروپا آمریکا می شوند و پس از یکی دو سال (اگر از شر فریب کاران مصون بمانند با عنوان دکتر و مهندس بایران بازمی گردند و حسب المممول یک کرسی اداری را اشغال یا اشغال می کنند و قرشمال بازی درمی آورند ، در حقیقت اعزاز و اماندگان تحصیلی به اروپا و آمریکا رشوه یا جایزه ای است که مردم ایران به تنبها و درس نخوان هامی دهند من در میان تحصن هائی که دیده یا شنیده ام تحصنی مضحک تر از تحصن رفوزه شدگان برای اخذ دیپلم و تحصن رئیس دولت در مجلس بعنوان اینکه در کشورش امنیت نیست ندیده و نشنیده ام و اکنون که سخن بدرازا کشیده بهتر آن است که تحصن رئیس دولت را در مجلس از زبان آقای مهدی اکباتانی رئیس بازرسی مجلس که یار غار و پیش مرک و واسطه مصدق با خارج بوده بشنوید .



مدیران روزنامه زندگی و سحر گاه به دکتر پیراسته نماینده ساوه میگویند ما امنیت نداریم و پیراسته هم میگوید (برهر که بنگری به همین دردمبتلاست)